

بسم الله الرحمن الرحيم

تدبر در قرآن

سوره مبارکه معارج

استاد ضرابی

مرداد-آبان ۱۴۰۱

جلسه پنجم ۱۴۰۱/۷/۱۴

آیات شریفه: «كَلَّا إِنَّهَا لَأُظَى (۱۵) نَزَّاعَةً لِّلشَّوَى (۱۶) تَدْعُو مَنْ أَدْبَرَ وَتَوَلَّى (۱۷) وَجَمَعَ فَأَوْعَى (۱۸) - نه چنین است (آتش) زبانه می کشد (۱۵) پوست سر و اندام را برکننده است (۱۶) هر که را پشت کرده و روی برتافته (۱۷) و گرد آورده و انباشته (و حسابش را نگاه داشته) فرا می خواند (۱۸)»

عنوان: پوست، واسطه چشیدن عذاب برای مجرمان و منکران!

«كَلَّا إِنَّهَا لَأُظَى نَزَّاعَةً لِّلشَّوَى...»: در قرآن کریم می‌خوانیم: آنان که به آیات ما کافر شدند به زودی در آتش دوزخشان درافکنیم که هر چه پوست تن آنها بسوزد آنان را پوست دیگری جایگزین کنیم تا (سختی) عذاب را بچشند، که همانا خدا مقتدر و کارش از روی حکمت است. «كَلَّمَا نَضِجَتْ جُلُودُهُمْ بَدَّلْنَاهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَزِيزًا حَكِيمًا- (نساء/۵۶)» همچنین در سوره مبارکه مدثر می‌فرماید: «سَأَصْلِيهٖ سَقَرٌ وَ مَا أَذْرَاكَ مَا سَقَرٌ ... لَوَاحِةٌ لِّلْأَشْرِ ... - زود است که او را به سقر درآورم. و تو نمی‌دانی که سقر چیست. نه باقی گذارد و نه رها کند. پوست رابه شدت دگرگون کند. ...» (مدثر/۲۶-۲۹)

شاید سر این تأکید بر سوخته و کنده شدن و نابودی پوست ظاهر، به خاطر پوشش بودن آن و نمایش هیئتی ظاهری برای انسان باشد که پرده و حائل است بر روی باطن و از دیده پنهان نمودن حقیقتی که در پشت آن است؛ و شاید بتوان گفت در عالم معنا، مقصود آن رفتارها و گفتارهایی است که همچون پرده‌ای بر روی نیت و سریره مجرمان و منکران حق افکنده می‌شده و در قیامت باید سوزانده شود تا باطن پلید و نیت زشت آنها برای همگان آشکار شود و این رسوا و آشکار شدن خسران ابدی با برچیده شدن حجاب ظاهر آنچنان است که سوزاندن درون را هم به دنبال دارد؛ بهشت و دوزخ با تست در پوست چرا بیرون زخود میجویی ای دوست

در روایت ابوجارود از امام باقر (علیه السلام) آمده است: «و دوزخ، میعادگاه همه آنهاست! (حجر/۴۳) توقفشان بر روی [پل] صراط است. و اما آیه [جهنم] هفت در دارد و برای هر دری، گروه معینی از آن‌ها تقسیم شده‌اند! (حجر/۴۴) شنیده‌ام و خدا عالم است خداوند جهنم را در هفت درجه و مرتبه مختلف آفریده است که بدترین و سوزاننده‌ترین آن جحیم است که اهل آن بر روی آتش سوزان و خالص ایستاده‌اند و مغزشان در سرشان می‌جوشد، همان‌گونه که آب یا غذا در دیگ می‌جوشد. دومین درجه اُظَى است.» (بحار الأنوار، ج ۸، ص ۲۸۹)

نکته دیگر این است که تمام وجود مجرمان و منکران را دنیا پر کرده است «وَلَمْ يُرِدْ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا * ذَلِكَ مَبْلَغُهُمْ مِنَ الْعِلْمِ - و جز زندگانی دنیای فانی را نخواست (و نمی‌خواهد)* منتهای علم و فهم این مردم تا همین حد است» (نجم/۲۹-۳۰)

سر در قدمش اگر نهی سهل بود
دوزخ بیقین صحبت نا اهل بود

جانم به فدای آنکه او اهل بود
خواهی که بدانی بیقین دوزخ را

از اسرار دنیا این است که باطن مخوف و دهشت‌بار و عذاب دهنده‌ای دارد [جهنم باطن دنیا و این جهان طبیعت است] (بهشت و جهنم، امام خمینی، ص ۲۸۲) و هر آن کس که وارد آن شود، در آخرت، وارد جهنم می‌گردد، و البته همه به نوعی وارد آن خواهند شد؛ به دلیل سخن خداوند متعال که فرمود: «وَوَ

إِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلَى رَبِّكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا- و هیچ کس از شما نیست مگر آنکه وارد دوزخ می‌شود، [ورود همگان به دوزخ] بر پروردگار مسلم و حتمی است» (مریم/۷۱) اما این ورود برای همه موجب عذاب نخواهد بود: «ثُمَّ نُنَجِّي الَّذِينَ اتَّقَوْا وَ نَذَرُ الظَّالِمِينَ فِيهَا جِثَا - پس از ورود در جهنم ما کسانی را که تقوا پیشه ساخته‌اند نجات می‌دهیم» (مریم/۷۲) چرا که هر کس به میزانی که دلبسته و گرفتار گناه در دنیا باشد، به همان میزان در باطن آن (یعنی جهنم) فرو خواهد رفت و در آن توقف می‌کند «إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَ سَيَصْلُونَ سَعِيرًا» (نساء/۱۰) و الا کسی که لحظه‌ای و ذره‌ای به دنیا تعلق ندارد، لحظه‌ای در باطن آن (جهنم) توقف نخواهد داشت. از رسول خدا (ص) پرسیدند: آیا شما هم وارد جهنم می‌شوید؟ فرمود: آری، ولی ما مانند برق گذرنده به سرعت عبور می‌کنیم. طبیعتاً همان‌طور که بهشت جای برخورداری از نعمت‌های الهی و آسایش و ظهورات رحمت حق تعالی است، جهنم جایگاه حلول غضب خداوند است «كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَ لَا تَطْغَوْا فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبِي وَ مَنْ يَحِلَّ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ هَوَى - بخورید از روزیهای پاکیزه‌ای که به شما داده‌ایم؛ و در آن طغیان نکنید، که غضب من بر شما وارد شود و هرکس غضبم بر او وارد شود، هلاک خواهد شد.» (طه/۸۱) بنابراین مقصود از «فقد هوی» سقوط در آتش جهنم است.

جلوه ای کرد از یمین و از یسار
دوزخی در جنتی کرد آشکار
جنتی خاطر نواز و دلفروز
دوزخی دشمن گداز و غیر سوز

عنوان: حکمت آفرینش جهنم و پل صراط!

رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «خَلَقَ اللهُ تَعَالَى جَهَنَّمَ مِنْ فَضْلِ رَحْمَتِهِ سَوَاطٍ يَسوقُ اللهُ بِهِ عِبَادَهُ إِلَى الْجَنَّةِ- خداوند تعالی از فضل و رحمتش دوزخ را آفرید تا تازیانه ای باشد که بندگان را به سوی بهشت براند.» (المحجة البيضاء: ج ۷ ص ۲۶۲) یعنی رحمت ذاتی و غضب امری عارضی است که هم آیات «وَ رَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ- (اعراف/۱۵۶)» و هم روایات «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ» (دعای کمیل) و هم برهان «مَا يَفْعَلُ اللهُ بِعَذَابِكُمْ إِنْ شَكَرْتُمْ وَ آمَنْتُمْ وَ كَانُ اللهُ شَاكِرًا عَلِيمًا- خداوند چه غرضی دارد که شما را عذاب کند اگر (لطف خدا را) شکر گزارید و (به او) ایمان آرید؟! خدا شکر نعمت را از شما می‌پذیرد و علمش (به صلاح خلق) محیط است.» (نساء/۱۴۷) بر آن دلالت دارد.

افرادی اهل آخرت هستند و نمی‌توان آنان را از اشقیاء شمرد، بلکه از اصحاب الیمین‌اند، اهل گناه هم نیستند، ولی آن عشق و شور و جذبه اهل توحید که چون جرقه آتش، اوهام و اعتبارات را بسوزانند در سرشان نیست، و دنبال خدا هم می‌گشته‌اند ولی نه با آن همت بُرنده و عزم کوبنده و با آن سرعت قاطع؛ اینها از روی صراط مانند آدم اسب عبور می‌کنند، آتش هم به آنها نمی‌رسد اما به همان مقداری که چون اسب سواری از پلی عبور کند و در زیر آن آتش باشد به او حرارت می‌رسد، به همان مقدار اصحاب الیمین در طول عبور از صراط گرمای آتش را احساس می‌نمایند. و بعضی دیگر در عین آنکه از اصحاب الیمین هستند اما به این قدر پاک و پاکیزه نیستند قدری تقصیر و خطا هم نموده و گناهانی هم داشته‌اند و خداوند آنان را آمرزیده، اینها از روی پل مانند آدم پیاده عبور می‌کنند «الَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَائِرَ الْأَعْثَمِ وَ الْفَوَاحِشَ إِلَّا اللَّمَمَ إِنَّ رَبَّكَ وَاسِعُ الْمَغْفِرَةِ - آن کسانی که از گناهان کبیره و قبائح اعمال اجتناب می‌ورزند مگر از خطاها و گناهان کوچک. چون پروردگار تو ای پیغمبر مقام مغفرتش بسیار باز و وسیع است.» (نجم/۳۲) این چنین افرادی به بهشت می‌روند، ولی البته مانند کسی که بخواد مثلاً پیاده از روی چنین پلی عبور کند البته مشکل تر است از کسی که با اسب می‌رود. لابد منظره آتش را بیشتر می‌بینند، و از حرارت آن بیشتر متأثر می‌گردد. بعضی از افراد مرتکب گناهان کبیره شده‌اند ولی چون دارای ایمان راسخ بوده‌اند مورد شفاعت قرار گرفته‌اند، اینها آهسته و لنگان می‌گذرند. و افراد ظالم و کافر به جهنم می‌افتند، و چقدر جهنمشان طول بکشد

خدا می‌داند. البته درجات ظلم و کفر مختلف است؛ آنقدر باید بمانند تا آتش آنها را تطهیر کند: حقیقت مطلب این است که انسان باید در دنیا زندگی کند، و از آن برای عوالم دیگر بگذرد و عبور کند. اگر همانطور که انبیاء و ائمه طاهرین زندگی کردند توأم با صدق و امانت و توحید باشد، خوب عبور می‌کند؛ در غیر این صورت سقوطش حتمی است. صراط همان صورت واقعی حقیقه انسانیت است؛ و حقیقت آن صورت، مسیر و راه علی بن ابی‌طالب است. امیرالمؤمنین (علیه السلام) در دنیا زراعت کرد، باغ تهیه کرد، قنات جاری کرد، نخلستان ایجاد کرد، ولی آلوده نشد. ازدواج کرد، و فرزندان آورد، آلوده نشد. حکومت نمود و آلوده نشد و این غیر از اقسام کارهای مردم است. امیرالمؤمنین از این اعمال جز نفس عمل غرضی و مقصدی نداشت. جز خدا نیتی نداشت.

دوزخ شری ز آتش سینه ماست
دوزخ شری ز آتش سینه ماست
جنت اثری زین دل گنجینه ماست
جنت اثری زین دل گنجینه ماست
فارغ ز بهشت و دوزخ ای دل خوش باش
فارغ ز بهشت و دوزخ ای دل خوش باش
با درد و غمش که یار دیرینه ماست
با درد و غمش که یار دیرینه ماست

عنوان: دوزخ، همچون حیوان درنده‌ای در انتظار گنهکاران!

«تَدْعُوا مَنْ أَدْبَرَ وَتَوَلَّى * وَجَمَعَ فَأَوْعَى»: خداوند در قرآن می‌فرماید: «ما برای کسی که قیامت را انکار کند آتش سوزانی مهیا کرده‌ایم- وَ أَعْتَدْنَا لِمَنْ كَذَّبَ بِالسَّاعَةِ سَعِيرًا» (فرقان/۱۱) آن گاه در توصیف از این آتش سوزان، می‌گوید: «هنگامی که این آتش آنها را از راه دور ببیند چنان به هیجان می‌آید که صدای وحشتناک و خشم آلود او را که با نفس زدن شدید همراه است، می‌شنوند- إِذَا رَأَوْهُمْ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ سَمِعُوا لَهَا تَغِيظًا وَ زَفِيرًا» (فرقان/۱۲) مجموع این توصیفات نشان می‌دهد: آتش سوزان دوزخ، همچون حیوان درنده گرسنه‌ای که در انتظار طعمه خویش است، انتظار این گروه را می‌کشد.

امام صادق(ع) فرمود: «روزی پیامبر اسلام(ص) نشسته بودند، ناگاه جبریل در حالی که رنگ پریده، اندوهگین و افسرده بود آمد. پیامبر(ص) فرمودند: چرا تو را چنین اندوهگین و افسرده می‌بینم؟ گفت: ای محمد! چرا چنین نباشم که امروز کوره‌های جهنم فروخته شد؟ رسول خدا(ص) پرسیدند: کوره‌های دوزخ چیست؟ گفت: خداوند متعال فرمانی صادر فرمود که هزار سال دوزخ را برافروختند تا سرخ شد، و سپس فرمان داد هزار سال دیگر هم برافروختند تا از سرخی به سپیدی گرایید. باز فرمان داد هزار سال دیگر برافروختند، آن‌چنان که سیاهی وحشت‌زا گردید و اگر یک حلقه از زنجیری که درازی آن هفتاد ذرع است، بر دنیا نهاده شود، از گرمای آن همه جهان ذوب خواهد شد، و اگر قطره‌ای از گنداب‌های دوزخ بر آب‌های زمین فرو افتد، همه اهل دنیا از بوی گندش نابود خواهند شد. امام صادق(ع) می‌فرماید، پیامبر(ص) و جبریل(ع) گریستند. خداوند فرشته‌ای پیش آن دو فرستاد و فرمود: خدایتان بر شما سلام می‌رساند و می‌فرماید شما را از این‌که گناهی انجام دهید که در دوزخ عذابتان کنم، در پرده عصمت و امان قرار دادم.» (روضة الواعظین و بصیره المتعظین، ج ۲، ص ۵۰۷)

در ذیل آیه «وَ جِئَ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ» مرحوم طبرسی در «مجمع البیان» روایت تکان دهنده‌ای نقل می‌کند، که: مضمون آن چنین است: ابوسعید خدری گوید: «وقتی این آیه نازل شد رنگ چهره رسول الله(صلی الله علیه و آله) تغییر کرد، بطوری که در صورت آن نمایان بود، اصحاب که حال حضرت را چنین دیدند، نزد حضرت علی(علیه السلام) رفته و گفتند: حادثه‌ای رخ داده که در صورت پیامبر(صلی الله علیه و آله) آثار آن را ملاحظه کردیم، مولا از پشت حضرت آمد و ایشان را در بغل گرفت و گفت: ای پیامبر خدا! پدرم و مادرم فدای تو باد چه اتفاقی رخ داده؟ حضرت فرمودند: جبرئیل این آیه را بر من خواند: «وَ جِئَ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ». مولا فرمود: چگونه جهنم آورده می‌شود؟ فرمود: هفتاد هزار ملك با هفتاد هزار زمام، زمام او را می‌کشند و او می‌خواهد فرار کند، اگر او را رها کنند، اهل محشر را آتش می‌زند، سپس من به او عرضه می‌شوم، او می‌گوید: مرا با تو چه

کار یا محمد، خداوند بدن تو را بر من حرام کرده. هر کسی سخن از خود می گوید و به فکر خود
است ولی حضرت محمد(صلی الله علیه وآله) گوید: «رَبِّ اُمَّتِي، اُمَّتِي- پروردگار من، امتم، امتم»
هفت دوزخ چیست؟ اعمال بدت
هشت جنت چیست؟ افعال خودت
حشر تو بر صورت اعمال تست
هر چه بینی نیک و بد احوال تست
وصلی الله علی محمد وآله